

بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط زیست در ایران: ضرورت‌ها و تنگناها

محمدحسین رضانی قوام‌آبادی*

چکیده

اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به‌صراحت حفاظت از محیط زیست را یک وظیفه عمومی بیان داشته، اما علی‌رغم این تصریح قانونی وضعیت محیط زیست در ایران به شدت نگران‌کننده است؛ به طوری که بنا بر گزارش شاخص عملکردی محیط زیست در سال ۲۰۰۶، رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در مقام ۵۳ قرار گرفته است. در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸، رتبه عملکرد محیط زیست ایران با ۱۵ پله نزول به ۶۸ می‌رسد و در آخرین رده‌بندی در سال ۲۰۱۰ نیز محیط زیست ایران با ۱۰ پله نزول دوباره و امتیاز اندک ۶۰ به رتبه ۷۸ تنزل یافته است. انتشار این آمارهای رسمی این نکته را به ذهن متبادر می‌کند که بازیگران عرصه محیط زیست ایران اعم از توده‌های مردم، جامعه دانشگاهی، بنگاه‌های اقتصادی و در رأس همه دولت در زمینه حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از گسترش تخریب و آلودگی آن ناموفق بوده‌اند. با اندکی کاوش می‌توان دریافت که یکی از مهم‌ترین مشکلات و موانع موجود در عرصه حفاظت از محیط زیست در ایران، نبود آگاهی و اطلاعات در میان تمامی لایه‌های اجتماع است. بدین منظور در قوانین مختلف برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، دولت موظف به تقویت و توانمندسازی سازوکارهای لازم جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی در زمینه محیط زیست شده است. این تحقیق در صدد نشان دادن نقش و کارکرد آموزش در حفاظت از محیط زیست و رویکرد ایران نسبت به نهادینه‌سازی چنین آموزش‌هایی است.

واژگان کلیدی

آموزش، حفاظت از محیط زیست، قانون اساسی ایران

Email: mh.ramazanihavam@yahoo.com

* دانشیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۷/۱۴

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۲/۲۳

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۵ / زمستان ۱۳۹۱ / صص ۲۵۷-۲۳۳

مقدمه

کره زمین از ابتدای پیدایش خود تاکنون حوادث زیست‌محیطی بسیاری را تجربه کرده که بخشی از آن منشاء طبیعی و بخش عمده دیگر منشاء انسانی داشته است. از عصر یخبندان تا آتشفشان‌های ویرانگر و برخورد شهاب‌سنگ‌های کوچک و بزرگ تاکنون، تنها گونه‌هایی گیاهی و جانورای توانسته‌اند بقای خود را حفظ کنند که قدرت تطابق‌پذیری آنها با شرایط ناگوار زیست‌محیطی بالاتر بوده است. از میان این دو عامل، رشد تخریب و آلودگی محیط زیست با منشاء انسانی می‌تواند حیات انسان و سایر گونه‌ها را به شدت در معرض تهدید قرار دهد.

بخشی از این تخریب و آلودگی‌ها ناشی از عدم آگاهی و اطلاع عموم نسبت به مسائل زیست‌محیطی است. لذا «آموزش» نقش حیاتی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌بازی می‌کند، به همین جهت در عرصه بین‌المللی موضوع آموزش محیط زیست مورد توجه واقع شده است. از بدو تولد حقوق بین‌الملل محیط زیست در سال ۱۹۷۲، ضرورت آموزش محیط زیست و اطلاع‌رسانی جهت تهیه راهبردی برای حفاظت و ارتقای محیط زیست احساس شد.

اعلامیه استکهلم^(۱) و توصیه‌نامه شماره ۶۹ کنفرانس استکهلم ۱۹۷۲ به طور رسمی و صریح بر اهمیت آموزش محیط زیست صحنه گذاشت. بعد از کنفرانس استکهلم، کنفرانس‌های بین‌المللی دیگری همچون کنفرانس بلگراد و تفلیس زیر نظر یونسکو با همکاری برنامه ملل متحد برای محیط زیست با حضور کارشناسان مختلف در خصوص موضوع آموزش محیط زیست برگزار شد^(۲) و بدین وسیله جامعه بین‌المللی تلاش کرد تا خطوط اصلی و راهبردی آموزش در حوزه محیط زیست را ترسیم نماید. دومین کنفرانس بین‌المللی محیط زیست در سال ۱۹۹۲ با تأکید بر رابطه محیط زیست و توسعه و تصویب دستور کار ۲۱، ابعاد گوناگون مندرج در اعلامیه ریو را صورت‌بندی کرد. یکی از فصول چهل‌گانه این دستور کار به بهسازی آموزش و پرورش، آگاهی عمومی و آموزش حرفه‌ای اختصاص دارد.

در نوزدهمین اجلاس فوق‌العاده مجمع عمومی که در سال ۱۹۹۷ برگزار شد، بار دیگر بر اهمیت آموزش در حفاظت از محیط زیست و اجرای دستور کار ۲۱ تأکید شد. قطعنامه مصوب آن اجلاس مقرر داشت که: «آموزش یکی از عوامل آسایش است و نقش

تعیین کننده‌ای در تحقق توسعه پایدار دارد. برای تحقق توسعه پایدار باید نظام‌های آموزشی در تمامی سطوح خصوصاً در سطوح ابتدایی و متوسطه از حیث مالی تقویت و کارآمد شوند. امکان دسترسی همگان به این سطوح داده شود تا بتوانند توانایی‌های خود را توسعه و شکوفا کنند» (Assemblée Générale des Nations Unies, 23-28 Juin 1997, A/S-19/33, § 105).

به موازات اقدامات بین‌المللی، دولت‌ها در سطح ملی نیز به موضوع حفاظت از محیط زیست توجه ویژه‌ای مبذول داشته‌اند که البته رویکرد دولت‌ها نسبت به این امر متفاوت بوده است و هر یک از آنها با توجه به منافع اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌ای خود اقدام کرده‌اند. اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران یکی از اصول مترقی در حوزه محیط زیست تلقی می‌گردد. بر اساس این اصل «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

اما علی‌رغم وجود چنین اصلی در قانون اساسی، در چند دهه اخیر و با توسعه سریع و شکل‌گیری برنامه‌های متعدد توسعه در ایران، محیط زیست آن چنان که شایسته است، مورد توجه قرار نگرفته است. نتیجه عدم توجه شایسته و عدم اتخاذ تدابیر مؤثر در خصوص محیط زیست موجب بحران‌های زیست‌محیطی فاجعه‌باری در کشور شده است. بنا بر گزارش ایی پی آی «شاخص عملکردی محیط زیست» در سال ۲۰۰۶، رتبه ایران از میان ۱۳۳ کشور جهان با عدد شاخص ۷۰ در مقام ۵۳ قرار گرفته است. در دوره ارزیابی بعدی در سال ۲۰۰۸، رتبه عملکرد محیط زیست ایران با ۱۵ پله نزول به ۶۸ می‌رسد و در آخرین رده بندی در سال ۲۰۱۲ نیز محیط زیست ایران با نزول مجدد به رتبه ۱۱۴ تنزل یافته است^(۳) (<http://epi.yale.edu/epi2012/countryprofiles>) وضعیت اسفبار محیط زیست در ایران قبل از هر چیز متوجه دولت است. البته نباید تمام تخریب‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی فعلی را تنها و صرفاً متوجه دولت دانست. نوشتار حاضر در جستجوی پاسخ به این پرسش است که آیا آموزش می‌تواند نقش مهم خود را در حفاظت از محیط زیست ایران ایفا کند؟ با اندک تأملی در بحران‌های

مختلف زیست‌محیطی که بشر پشت سر نهاده است، درمی‌یابیم که آموزش همواره کارآمدترین ابزار برای به زانو درآوردن مشکلات بوده است و شکی نیست که جهان فردا را آموزش امروز می‌سازد. بنابراین آموزش می‌تواند یکی از ابزارهای مهم و راهگشا در مقابل چالش‌های پیش روی انسان باشد.

یکی از اصلی‌ترین علل تخریب و آلودگی محیط زیست، عدم آگاهی مردم نسبت به مسائل زیست‌محیطی است، به طوری که بدون افزایش سطح آگاهی‌های مردم در زمینه حفاظت از محیط زیست، نمی‌توان امیدى به بهبود وضعیت زیست‌محیطی داشت.

۱. آموزش: بستر اصلی حفاظت از محیط زیست

نقش آموزش محیط زیست از حیث ایجاد باور زیست‌محیطی و بسترسازی فرهنگی در راستای تحقق اصل پیشگیری حائز اهمیت فراوانی است که به بررسی هر یک از آنها خواهیم پرداخت.

ایجاد آگاهی در میان توده‌های مردم باعث تغییر نگاه ایشان نسبت به محیط زیست و بهبود رابطه آنها با محیط زیست می‌گردد. بی‌شک آشنا ساختن افراد در

سطوح مختلف اجتماعی با اصول حفاظت از محیط زیست و ایجاد رغبت و انگیزه‌های داوطلبانه برای حفاظت از آن می‌تواند مسئله تخریب و آلودگی محیط زیست را یک بار و برای همیشه حل کند. اگر افراد در درون خود وظیفه‌ای اخلاقی و وجدانی برای حفظ محیط زیست را احساس نمایند، مقدمات اولیه مشارکت آنها در برنامه‌های زیست‌محیطی فراهم می‌شود. اگر افراد محیط زیست را به مثابه یکی از دارایی‌های شخصی خود تلقی کنند، پاسداری از آن را نه تنها لازم بلکه جزئی جدایی‌ناپذیر از زندگی خود خواهند دانست.

اصل نوزدهم اعلامیه استکهلم مقرر می‌دارد: «به منظور توسعه مبانی ضروری برای تنویر افکار عمومی و تفهیم مسئولیتی که افراد، مؤسسات و جمعیت‌ها در خصوص حفاظت محیط زیست در تمام ابعاد انسانی آن بر عهده دارند، لازم است نسل جوان و نیز بزرگسالان با بذل توجه کافی نسبت به انسان‌هایی که در وضعیت نامساعدتری قرار دارند، تحت آموزش قرار گیرند. همچنین لازم است که وسایل ارتباط جمعی از کمک به تنزل کیفیت محیط زیست اجتناب نموده و به‌عکس به منظور فراهم نمودن امکان توسعه انسان در تمام زمینه‌ها، اطلاعات

در پرتو آگاهی‌های زیست‌محیطی می‌توان امیدوار بود که اصل پیشگیری زیست‌محیطی بهتر بتواند به اجرا درآید. اصل مزبور در حقوق بین‌الملل محیط زیست از مقام و منزلت والایی برخوردار است و به همین جهت نیز در اسناد گوناگون بین‌المللی در حوزه محیط زیست بدان اشاره می‌شود. اصل پیشگیری حکم می‌کند تا اشخاص اقدامات و تدابیر پیشگیرانه‌ای جهت پرهیز و کاهش خسارات وارد به محیط زیست را اتخاذ کنند. به طور کلی در اصل پیشگیری، یقین و قطعیت علمی وجود دارد در حالی که بر عکس در اصل احتیاط زیست‌محیطی چنین یقینی وجود ندارد (Plaud, 2010, pp.1-12). اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری و پیشگیری از حوادث قابل پیش‌بینی به‌واسطه یقین و قطعیت علمی توسعه فراوانی یافته است. پیشگیری بر اساس منافع عمومی توجیه و توسط مقام تصمیم‌گیر به مرحله اجرا گذاشته می‌شود. پس اتخاذ تدابیر لازم و ضروری جهت جلوگیری از حوادث قابل پیش‌بینی می‌باشد، در حالی که در احتیاط عدم یقین و قطعیت علمی وجود دارد و ملهم از منافع عمومی است. لذا قدر متیقن این است که اصل پیشگیری خطرات بالفعل را لحاظ می‌کند، در حالی که اصل

آموزشی در مورد ضرورت حفاظت و بهبود محیط زیست را ارائه دهند.»

آدان کاس ماوان در تحقیقی نقش آموزش‌های دوره ابتدایی بر باورها و گرایشات زیست‌محیطی گروهی از دانش‌آموزان دبیرستانی اندونزیایی را بررسی کردند. در این تحقیق آنها سه گروه از دانش‌آموزان دبیرستانی در سه منطقه متفاوت جغرافیایی را انتخاب کردند و باورها و گرایش‌های زیست‌محیطی آنان را با پرسشنامه‌هایی یکسان سنجیدند. نتایج نشان داد روش‌های آموزش متفاوت در دوره ابتدایی تأثیر زیادی بر تفاوت باورهای زیست‌محیطی دانش‌آموزان داشته است، آنها همچنین بیان داشتند که علاوه بر روش تدریس و محتوای دروس، محیط و جامعه نیز بر میزان و نوع باورهای زیست‌محیطی افراد تأثیر بسزایی دارند (Kusawan and O'toole, 2006, p.15).

آموزش‌های زیست‌محیطی در مقاطع تحصیلی مختلف می‌تواند نقش مهمی در بسیج افکار عمومی و آمادگی آنها جهت حفاظت از محیط زیست بازی کند. آگاهی افراد نسبت به حقوق نسل‌های فعلی و آینده موجب حساسیت آنها و سبب انسجام و افزایش مسئولیت‌پذیری در قبال ایجاد محیط زیست بهتر می‌شود.

احتیاط به خطرات بالقوه و احتمالی توجه دارد. تجربه نشان داده است که ممانعت از خطرات زیست‌محیطی هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل اکولوژیکی به عنوان یک «قاعده طلایی» محسوب می‌شود. انقضای یک گونه گیاهی یا جانوری نادر در بعضی موارد غیرقابل جبران است و این امر ضرورت و حیاتی بودن اقدامات پیشگیرانه را دوچندان می‌کند. البته لازم به ذکر است که در صورت قابل جبران بودن خسارات زیست‌محیطی، اعاده وضع به حالت سابق همیشه به طور کامل ممکن نیست و یا اینکه هزینه‌های هنگفت و کمرشکنی را در بر خواهد داشت. دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی اخیر خود در سال ۲۰۱۰ در قضیه کارخانه‌های خمیر کاغذ بین آرژانتین و اروگوئه^(۴) بر عرفی بودن اصل پیشگیری صحه گذاشت (Arrêt de la CIJ, 2010, para.101) در حالی که در مورد اصل احتیاط به سبب مشکلات مربوط به ماهیت و تعریف این اصل همچنان از شناسایی آن به عنوان یک قاعده عرفی خودداری می‌کند.

لازمه پیشگیری، آگاهی از خطرهای پیش روست و ایجاد آگاهی جز با آموزش هدفمند میسر نمی‌گردد. تحقیق و پژوهش در تجربیات کشورها و ملل گوناگون و بررسی

علل موفقیت یا شکست آنان در مقابله با بحران‌های زیست‌محیطی می‌تواند منبع ارزشمندی در انتقال دانش باشد. بهره‌مندی از دانشی فراگیر و سازمان یافته باعث می‌شود که انسان از روابط میان رخدادها آگاه شده و با تدبیر تمهیدات لازم از وقوع حوادث ناگوار جلوگیری نماید و یا حداقل از میزان خسارات آن بکاهد، بنابراین آموزش‌های زیست‌محیطی با ایجاد آگاهی در میان اقشار جامعه می‌تواند از میزان قدرت تخریب‌گری و یا بی‌تفاوتی آنان نسبت به محیط زیست کاسته و تک‌تک افراد جامعه را به عنصری برای پیشگیری از تخریب بدل نماید، لذا این موضوع بدیهی به نظر می‌رسد که آموزش به منزله نخستین سنگ بنای اصل طلایی پیشگیری است.

با شناخت کارکرد محوری آموزش در حفاظت از محیط زیست، جا دارد به شناسایی نقش آموزش در دستور کار ۲۱ بپردازیم.

۲. شناسایی و نهادینه کردن آموزش محیط زیست در دستور کار ۲۱

به موازات شکل‌گیری و نضج حقوق بین‌الملل محیط زیست، موضوع آموزش محیط زیست نیز در دستور کار سازمان‌های

است. برگزاری کنفرانس استکهلم در سال ۱۹۷۲ نقطه عطفی در تولد حقوق بین‌الملل محیط زیست است و با تداوم برگزاری کنفرانس دیگری در سال ۱۹۹۲ در ریودو ژانیرو برزیل موجبات آشتی و مصالحه بین محیط زیست و توسعه را فراهم کرد.

کنفرانس استکهلم اولین تلاش جمعی ۱۱۳ کشور جهان برای تأکید بر نقش آموزش و آگاه کردن مردم نسبت به مسایل محیط زیستی بود. پس از آن با برگزاری اولین کارگاه بین‌المللی آموزش محیط زیست در سال ۱۹۷۵ در بلگراد یوگسلاوی به منظور تدوین اصول و خطوط برنامه جهانی آموزش محیط زیست گام‌هایی برداشته شد. با شکل‌گیری کنوانسیون بین‌المللی آموزش محیط زیست در سال ۱۹۷۷ در گرجستان دولت‌ها به انجام برنامه‌های آموزشی به مخاطبین اجتماعی در این حوزه ترغیب و تشویق شدند. در سال ۱۹۹۲ پس از برگزاری کنفرانس «محیط زیست و توسعه» در برزیل و تدوین دستور کار ۲۱ بر ضرورت ایجاد و تداوم یک نهضت آموزشی با هدف تغییر رفتار و اصلاح بینش عمومی نسبت به محیط زیست جهت نیل به توسعه پایدار شکل گرفت و گام مهمی در جهت بسترسازی آموزش محیط زیست برداشته شد.

بین‌المللی علاقه‌مند به مسائل آموزشی و زیست‌محیطی قرار گرفت. این سازمان‌ها در چارچوب اشتغالات خود اسنادی را تدوین کردند که در آنها به نقش حفاظتی آموزش محیط زیست اختصاص دارد. علاوه بر سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها نیز در مقررات ملی خود اقدام به تقنین مقرراتی در باب آموزش محیط زیست کردند که در ادامه به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

اولین گام‌ها در جهت شناسایی آموزش محیط زیست در سطح بین‌المللی برداشته شد و به تدریج در نظام‌های داخلی مقرراتی در این راستا تدوین گردید. بدین منظور ابتدا به موضوع آموزش در مقررات بین‌المللی و در ادامه به مقررات ملی با تأکید خاص بر مورد ایران اشاره می‌شود.

بخش اعظم رشد و توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست در قالب سیستم ملل متحد شکل گرفته است و با تفسیری غایت‌شناسانه و پویا از اهداف و اصول ملل متحد می‌توان حفاظت از محیط زیست را در سند تأسیس این سازمان بازشناخت. برگزاری کنفرانس‌های متعدد زیر نظر ملل متحد و تصویب اسناد مختلف در چارچوب این نهاد بین‌المللی در توسعه حقوق بین‌الملل محیط زیست نقش کلیدی داشته

دستورکار ۲۱، برنامه‌ای کامل و مفصل و مشتمل بر توافقات جهانی و تعهد سیاسی دولت‌ها در بالاترین سطح، برای توسعه و همکاری‌های زیست‌محیطی است. این برنامه توسعه پایدار را جزء مسئولیت‌های دولت می‌داند و ایجاد برنامه‌ها، طرح‌ها و راهبردهای ملی را برای انجام آن ضروری می‌شمارد. این سند، آموزش را در سه زمینه تغییر جهت آموزش و پرورش به سمت توسعه پایدار، افزایش آگاهی عمومی و بهسازی آموزش حرفه‌ای مورد توجه قرار می‌دهد (Agenda 21, chapitre 6, para.2) و برای هر یک از آنها نیز رهنمودهایی را جهت نیل به اهداف مورد نظر به‌دست می‌دهد. برای مثال در حوزه آموزش رسمی بر تدوین راهبردهایی با هدف تلفیق مسائل زیست‌محیطی و توسعه در نظام آموزشی در سطوح مختلف، بازنگری کامل در برنامه‌های درسی جهت توجه به مسائل زیست‌محیطی و توسعه‌ای، ایجاد نهادهای ملی برای هماهنگی و مشاوره در زمینه آموزش‌های زیست‌محیطی، اجرای برنامه‌های آموزشی حین خدمت یا پیش از خدمت برای همه آموزگاران، مربیان و برنامه‌ریزان آموزشی، ایجاد مراکز آموزش و پژوهش بین رشته‌ای در زمینه علوم زیست‌محیطی و تدوین

واحدهای درسی بین رشته‌ای در دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزش عالی در زمینه آموزش مسائل محیط زیست و توسعه تأکید می‌کند. اجرای تمامی رهنمودهای مندرج در این دستور می‌تواند کمک زیادی به حفاظت از محیط زیست و بهبود آن بکند. بدین منظور در نظام‌های مختلف ملی به استفاده از ابزار آموزش برای حفاظت از محیط زیست تأکید شده است. لذا در ادامه جا دارد به جایگاه آموزش محیط زیست و عینیت بخشی به مفاد دستور ۲۱ در نظام حقوقی ایران بپردازیم.

نویسندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل پنجاهم، دیدگاهی مترقیانه در خصوص حفاظت از محیط زیست به‌دست داده‌اند. این اصل علاوه بر طرح موضوع توسعه پایدار و حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه عمومی بر تقابل حفاظت از محیط زیست و توسعه اقتصادی تأکید کرده است. در این تقابل تعیین‌کننده به نظر می‌رسد که قانون بیشتر جانب محیط زیست را گرفته و مجال تخریب محیط زیست را به بهانه‌های اقتصادی فراهم نمی‌آورد.

اصل ۵۰ قانون اساسی جنبه کلیدی داشته و می‌توان محورهای زیر را در آن

این مسئولیت را بر دوش دارد و خود آحاد و طبقه‌های مختلف اجتماعی را آموزش می‌دهد. (کریمی، ۱۳۸۳، صص ۲۶-۱۵) مصوبه مزبور آموزش عمومی را به دو بخش آموزش بینندگان (مخاطبین) و آموزش‌دهندگان (نهادهای مسئول) تقسیم می‌کند. این مصوبه بر توزیع مسئولیت آموزش عمومی محیط زیست بین سازمان‌های مختلف تأکید می‌کند و از این منظر نوعی تعامل بین بخشی را صورتبندی می‌نماید.

موضوع آموزش محیط زیست در قوانین برنامه‌ای نیز لحاظ شده است. طبق ماده ۶۰ قانون برنامه چهارم توسعه، دولت موظف است، به منظور تقویت و توانمندسازی ساختارهای مرتبط با محیط زیست و منابع طبیعی، سازوکارهای لازم را جهت گسترش آموزش‌های عمومی و تخصصی محیط زیست، در کلیه واحدهای آموزشی و مراکز آموزش عالی، حمایت از سرمایه‌گذاری در بخش محیط زیست و منابع طبیعی، ایجاد تقویت ساختارهای مناسب برای فعالیت‌های زیست‌محیطی، در دستگاه‌های اثرگذار بر محیط زیست، تنظیم و برقرار کند.

در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ

بازشناخت: الف) تجلی عزم و اراده ملی برای پاسداری از میراث طبیعی؛ ب) همگانی بودن حفظ محیط زیست؛ ج) تقدم حفظ محیط زیست بر توسعه اقتصادی. یکی از محورهای اصلی مندرج در اصل مزبور، همگانی بودن حفظ محیط زیست است. بی‌تردید یکی از ابزارهای حفاظتی، اجرای برنامه‌های آموزشی حفاظت از محیط زیست برای عموم است. علاوه بر قانون اساسی، قوانین عادی همچون قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست نیز موضوع اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور ارتقاء فرهنگ عمومی حفظ و بهسازی محیط زیست را پیش‌بینی کرده است.

نزدیک به دو دهه پس از تصویب قانون اساسی، به این نکته مهم توجه شد که منظور از عمومی بودن حفاظت از محیط زیست چیست و چگونه می‌توان جامعه‌ای خردمند و مسئول در قبال حفظ محیط زیست ایجاد کرد؟

مصوبه مهرماه ۱۳۷۴ شورای عالی حفاظت محیط زیست این نظریه را مردود دانست که منظور از آموزش عمومی، فراخوان همگانی برای یادگیری و دانش‌افزایی در مقابل محیط زیست است. تا قبل از این مصوبه یک راه برای آموزش عمومی محیط زیست باز بود و آن اینکه سازمان حفاظت محیط زیست بار

۳. رویکرد انفعالی نظام آموزشی ایران نسبت به حفاظت از محیط زیست

همان‌طور که در بالا اشاره شد، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به لزوم اجرای برنامه‌های آموزشی به منظور ارتقاء فرهنگ عمومی حفظ و بهسازی محیط زیست تأکید دارد. بدین منظور سازمان حفاظت محیط زیست ملزم به تنظیم اجرای برنامه‌های آموزشی جهت تنویر افکار عمومی، همکاری با مراجع مربوطه در گنجاندن برنامه‌های درسی زیست‌محیطی در تمامی دوره‌ها و تهیه و اجرای برنامه‌های آموزش کارکنان سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و خصوصی شده است.

آنچه مسلم است آموزش و پرورش یکی از مناسب‌ترین راه‌ها برای رسیدن به توسعه در ابعاد مختلف است. گنجاندن مفاهیم پایه‌ای و عمیق محیط زیست در مواد درسی مقاطع تحصیلی باعث می‌شود که دانش‌آموزان از ابتدا و در زمان تکوین و شکل‌گیری شخصیت اجتماعی‌شان به عنوان شهروندان آینده، حفاظت از محیط زیست را به عنوان یک مسئولیت انسانی و اخلاقی در وجود خود نهادینه کنند.

محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار، از ابتدای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیأت وزیران برساند. کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی هستند.

لازم به ذکر است که مفاد ماده ۶۰ قانون برنامه چهارم مجدداً در ذیل ماده ۱۸۹ قانون برنامه پنجم توسعه تکرار شده است. علاوه بر این امر در قانون برنامه پنجم بر ایجاد نظام اطلاعات زیست محیطی کشور را در سطوح منطقه‌ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه پنجم تأکید شده تا زمینه پایش، اطلاع‌رسانی و ارزیابی زیست‌محیطی فراهم گردد.

با وجود این مقررات در سیستم حقوقی کشورمان، لازم است به رویکرد نظام آموزشی ایران در قبال محیط زیست بپردازیم.

می‌طلبید (www.echemica.com/Papers-01ENV-20-10-Title-ASC-AI.html)

بر اساس ماده ۶۴ برنامه چهارم توسعه: «سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است: الف) در راستای ارتقای آگاهی‌های عمومی و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست و با تأکید بر گروه‌های اثرگذار و اولویت‌دار از ابتدای برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه اجرایی مربوط را با پیشنهاد شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیئت وزیران برساند. کلیه دستگاه‌های ذی‌ربط، رسانه‌های دولتی و صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ملزم به اجرای برنامه‌های آموزشی بدون دریافت وجه موضوع این ماده قانونی می‌باشند. ب) نظام اطلاعات زیست‌محیطی کشور را در سطوح منطقه‌ای، ملی و استانی تا پایان سال اول برنامه چهارم ایجاد نماید تا زمینه پایش، اطلاع‌رسانی و ارزیابی زیست‌محیطی فراهم گردد. دستگاه‌های ذی‌ربط مکلفانند در تدوین و اجرایی نمودن این نظام همکاری نمایند.»

در راستای تحقق اهداف و وظایف آموزشی سازمان حفاظت محیط زیست در زمینه تدوین برنامه ارتقای آگاهی‌های عمومی

نظام رسمی آموزش و پرورش ایران، نسبت به سال‌های قبل گام‌هایی به جلو برداشته است، اما این گام‌ها برای رسیدن به کمال مطلوب بسیار کوچک می‌نمایند. ایران کشوری است که محل تضارب اقلیم‌های گوناگون از دریا تا کویر و از کوهستان تا جنگل است و این موضوع لزوم تنوع و گستردگی آموزش محیط زیست را بیان می‌دارد.

براساس یک تحقیق از مجموع بیش از ۸۲۰۰ صفحه کتاب‌های درسی در دو مقطع تحصیلی دبستان و راهنمایی تنها ۰/۹ درصد از صفحات به موضوعات زیست‌محیطی اختصاص داده شده است. به عبارتی از ۳۶۰۰ صفحه مجموع صفحات کتاب‌های درسی در مقطع دبستان، ۴۵ صفحه و در مقطع راهنمایی نیز از مجموع ۴۶۴۲ صفحه کتاب‌های درسی تنها ۳۱ صفحه به موضوعات زیست‌محیطی اختصاص دارد. در حالی که بخش عظیمی از آموزش محیط زیست می‌بایست از طریق کتاب‌های درسی به کودکان ارائه شود، این آموزش‌ها تاکنون از نظر کیفی و کمی کاملاً دچار اشکال بوده و توجه بیشتر دستگاه‌های مسئول بازننگری کتب درسی در تمامی مقاطع تحصیلی را

و دستیابی به توسعه پایدار به منظور حفظ محیط زیست مندرج در ماده ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه، برنامه جامع آموزش همگانی محیط زیست به اجرا گذاشته شد. اجرای برنامه آموزش همگانی محیط زیست در راستای جامعه عمل پوشاندن به بخشی از مفاد اصل ۵۰ قانون اساسی است. بر طبق این اصل «در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست [...] وظیفه عمومی تلقی می‌گردد.» آموزش همگانی در دو فرآیند یادگیری و یاددهی قابل اعمال است. علی‌رغم اینکه در کشور ما سازمان حفاظت محیط زیست، متولی عام حفاظت از محیط زیست تلقی می‌گردد، نباید انتظار داشت که این سازمان به تنهایی مسئولیت یاددهی و دانش‌افزایی محیط زیست را برای گروه‌های مختلف اجتماعی عهده‌دار شود. به سبب ماهیت گسترده‌ای که محیط زیست دارا می‌باشد، تمام نهادها و ارگان‌ها اعم از دولتی و غیر دولتی و اقشار جامعه مخاطب آموزش محیط زیست هستند و باید جهت بهبود آن تلاش نمایند. نکته دیگر اینکه آموزش‌دهی محیط زیست منحصر به یک نهاد مسئول حفاظت از محیط زیست نیست، بلکه همه ارگان‌ها و نهادهای مسئول آموزش در کشور

در حوزه و حدود خود در قبال آموزش محیط زیست مسئول هستند.

لازم به ذکر است که اخیراً در اجرای برنامه جامع آموزش همگانی محیط زیست، وزارت آموزش و پرورش و سازمان حفاظت محیط زیست اقدام به امضای تفاهم‌نامه همگانی کردند. هدف از تنظیم تفاهم‌نامه مزبور تدوین و اجرای متون زیست‌محیطی در مقاطع مختلف تحصیلی است. به سبب مغفول بودن آموزش‌های زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی مقاطع ابتدایی و متوسطه دو نهاد متولی آموزش و پرورش و حفاظت محیط زیست در صدد پر کردن خلاءهای موجود در این عرصه بر آمدند.

آشنا کردن دانش‌آموزان با فرهنگ اخلاق زیست‌محیطی و شیوه‌های سازگار با محیط زیست دومین هدف این تفاهم‌نامه است. تدوین دروس یا کتاب‌هایی در راستای حفاظت از محیط زیست ضمن پر کردن خلاءهای موجود، زمینه‌های آشنایی دانش‌آموزان با محیط زیست، فرهنگ تعامل با محیط زیست و همچنین شیوه‌های اصلاح الگوی مصرف در حوزه محیط زیست را فراهم می‌کند. آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین نهادهای مؤثر در خصوص اشاعه فرهنگ اخلاق زیست‌محیطی در جوامع

است. ساخت بستر فرهنگی مناسب جهت حفاظت از محیط زیست در اوان کودکی شکل می‌گیرد و از این طریق باور زیست‌محیطی به تدریج در افراد ایجاد می‌گردد. ایجاد باور زیست‌محیطی در آموزش و پرورش، مشارکت دانش‌آموزان و دانشجویان و جوانان آینده که بیشترین تعداد جمعیت ایران را به خود اختصاص می‌دهند، تسهیل می‌کند. آموزش‌های حرفه‌ای در سطح مشاغل گوناگون از تولید تا مصرف و رعایت استانداردهای زیست‌محیطی در محیط کار در تقویت باور زیست‌محیطی و نهادینه‌شدن آن کمک شایانی می‌کند.

آموزش محیط زیست یکی از ابزارهای حفاظتی است و طبیعتاً تنها ابزار تلقی نمی‌گردد، زیرا مسائل عدیده دیگری نیز در این امر دخیل می‌باشند. تعامل یا تقابل حفاظت از محیط زیست و مسائل مربوط به توسعه اقتصادی یکی از عوامل تعیین‌کننده در اتخاذ تصمیم دولت‌ها تلقی می‌شود. علی‌رغم تقدم حفاظت از محیط زیست نسبت به توسعه اقتصادی، در عمل چنین تقدمی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو است. علاوه بر این موضوع، عدم آگاهی و یا باور زیست‌محیطی موجب بی‌تفاوتی تصمیم‌سازان به تخریب‌ها و بحران‌های زیست‌محیطی

می‌شود. این بی‌اعتنایی‌ها موجب تصمیم‌گیری‌های ضعیف و خطرناک برای محیط زیست می‌شود و می‌تواند بهداشت و سلامت جسمی و روانی لایه‌های مختلف اجتماع را به خطر بیندازد و موجب تحمیل هزینه‌های سنگین بر دولت، مردم و محیط زیست گردد. اظهارات رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و وزیر سابق راه و ترابری در این باره خود گواهی بر اتخاذ رویکردهای متفاوت و بعضاً قابل تأمل می‌باشد. بنا به اظهارات رئیس سازمان حفاظت محیط زیست «ایران یکی از ده کشور اصلی تخریب‌کننده محیط زیست در جهان است» (سایت آینده نیوز، کد خبر ۳۰۱۶۵، ۱۸ خرداد ۱۳۹۰). این اظهار نظر از سوی یک مقام رسمی، می‌تواند حاکی از وضعیت نابسامان محیط زیست و تصمیمات اتخاذشده در این عرصه باشد. از طرف دیگر سخنان وزیر سابق راه و ترابری در دفاع از احداث جاده در جنگل ابر قابل توجه است. ایشان در دفاع از این طرح اظهار می‌دارند «اگر جاده در دل جنگل ابر احداث شود، مهار آتش جنگل با حضور ماشین‌های آتش‌نشانی ممکن می‌شود!» (سایت تابناک، ۱۷ خرداد ۱۳۹۰).

بخشی از تخریب و آلودگی محیط زیست ناشی از ضعف‌های ساختاری و ناکارآمدی دستگاه‌های اجرایی متولی حفاظت از محیط زیست است و بخشی دیگر تحت‌الشعاع سیاست‌های توسعه‌ای و عدم توجه مسئولان و صاحب‌منصبان به موضوع محیط زیست قرار دارد. البته لازم به ذکر است که آیین‌نامه اجرایی ماده ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه در تبصره یک ماده ۲ بر اهمیت آموزش‌های زیست‌محیطی برای مدیران و برنامه‌ریزان تأکید می‌نماید. تحقق مدیریت یکپارچه زیست‌محیطی مستلزم وجود سیاست‌ها و راهبردهای مناسبی است که باید توسط مدیران بخش‌های مختلف و متولیان امر تدوین گردد.

برخی از گروه‌ها بیش از سایرین قادر به نهادینه کردن و بسترسازی اجتماعی آموزش محیط زیست هستند که در زیر به تجزیه و تحلیل آن خواهیم پرداخت.

۴. نقش گروه‌های مؤثر در نهادینه کردن آموزش محیط زیست

دستور کار ۲۱ یکی از مهم‌ترین اسناد زیست‌محیطی است که بر نقش کلیدی گروه‌های مؤثر در حوزه محیط زیست اشاره می‌کند. نقش برخی گروه‌ها همچون زنان و

سازمان‌های غیر دولتی در آموزش محیط زیست جنبه بنیادین دارد.

الف) آموزش زنان، کلید نهادینه کردن حفاظت از محیط زیست

در تمامی ادوار می‌توان نقش زنان را گاه تأثیرگذارتر از نقش مردان یافت. زنان گروه بزرگی از اجتماع هستند که نیمی از جمعیت را تشکیل می‌دهند و به واسطه نقش فعالی که در خانواده دارند و به دلیل آنکه نخستین آموزگاران کودکان هستند، می‌توانند عنصری کلیدی در اجرای برنامه‌های آموزشی باشند. لذا هر برنامه‌ای که بدون توجه به این گروه تأثیرگذار تدوین شود، بی‌شک ناموفق و شکست‌خورده خواهد بود. با توجه به این حقیقت، دستور کار ۲۱ از همه اعضای ملل متحد می‌خواهد که نقش زنان را در برنامه‌ریزی توسعه خود از تصمیم‌گیری تا مدیریت، برجسته‌تر و گسترده‌تر نمایند و تا سال ۲۰۰۰ کلیه موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های زیست‌محیطی را بردارند. اعلامیه ریو و دستور کار ۲۱ از اسناد مهمی تلقی می‌شوند که درصدد ایجاد پیوند بین حفاظت از محیط زیست و توسعه هستند. بدین منظور با طرح توسعه پایدار تلاش می‌کنند تا آشتی و مصالحه‌ای بین این دو موضوع ایجاد شود.

خدمت محیط زیست باشند. طیف بزرگی از زنان در دو سطح شهری و روستایی می‌توانند کارکردهای گوناگونی در حوزه آموزش و تغییر و اصلاح الگوی مصرف داشته باشند. نقش کلیدی زنان بیشتر در محیط خانواده متبلور می‌شود، زیرا ایشان بسان آموزگاران هستند که به خوبی می‌توانند آموزش‌های اولیه زیست‌محیطی را در کودکان نهادینه سازند. غیر از نقش آموزشی زنان باید به تغییر و اصلاح الگوی مصرف در خانواده و در محیط کار اشاره کرد که در این بخش نیز زنان می‌توانند نقش پر رنگی داشته باشند. تقویت بهتر مشارکت زنان مستلزم رفع موانع چنین مشارکتی است. در چهارمین کنفرانس جهانی زنان که در سال ۱۹۹۵ در پکن برگزار شد، موضوع محیط زیست مورد توجه قرار گرفت. بند ۱۶ اعلامیه پکن مقرر می‌دارد: «مشارکت زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی، برابری شانس و مشارکت کامل بر پایه برابری میان زنان مردان بخشی از شرایط اساسی از میان بردن فقر به‌وسیله رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی، حفاظت از محیط زیست و عدالت اجتماعی است.» بنابراین دولت‌ها باید اقداماتی در جهت اجرای تعهدات خود در قبال قواعد و مقررات بین‌المللی در خصوص تضمین مشارکت زنان

اعلامیه ریو در مورد مشارکت زنان مقرر می‌دارد: «زنان در مدیریت و ارج نهادن بر محیط زیست نقش حیاتی ایفا می‌نمایند. بنابراین مشارکت کامل آنان برای تحقق توسعه پایدار دارای اهمیت اساسی است» (Déclaration de Rio, 1992, principe 20). اعلامیه مزبور بر اصول کلی تأکید می‌کند و جزئیات و نحوه اجرای مفاد آن را به دستور کار ۲۱ احاله می‌نماید. به عبارت دیگر دستور کار مزبور، اجرایی شدن مندرجات اعلامیه ریو را مشخص می‌کند و دولت‌ها را تشویق و ترغیب می‌کند تا اقدامات شایسته را در زمینه اتخاذ کنند. دستور کار ۲۱ برای تضمین هر چه بیشتر آموزش و توسعه پایدار و برابر و نیز تقویت مشارکت زنان توصیه‌ها و پیشنهادهای ارائه می‌دهد.^(۵) توصیه‌ها و پیشنهادهای دستور کار ۲۱ بر روی مشارکت هر چه بیشتر زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار تکیه دارد. برای تحقق این مشارکت باید موانع پیش روی زنان مرتفع گردد. زنان هم تأثیرگذار و هم متأثر از آثار ناگوار آلودگی و تخریب محیط زیست می‌باشند. نقش محوری زنان در حفاظت از محیط زیست بر هیچ‌کس پوشیده نیست، زیرا این گروه اجتماعی تأثیرگذار به طرق مختلف می‌توانند در

در شکل‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌های زیست‌محیطی انجام دهند. اگر دولت‌ها بتوانند تمامی شیوه‌های نابرابری و تبعیض علیه زنان را از جامعه بزدايند، در این صورت می‌توان به مشارکت زنان در حوزه محیط زیست و توسعه پایدار امیدوار بود.

مشارکت مدنی و سیاسی و مشارکت اجتماعی زنان دو جنبه‌ای هستند که باید مورد اهتمام دولت‌ها قرار گیرد. در حوزه مشارکت سیاسی زنان باید تحول اساسی صورت پذیرد و سیمای سیاسی زنان به کلی دگرگون شود تا حضور حداکثری ایشان را شاهد باشیم. رفع تبعیض از زنان در سطح بین‌المللی در همه اشکال آن نیازمند تلاش‌های زیادی است. رفع موانع مشارکت مدنی و سیاسی زنان تحقق مشارکت اجتماعی زنان را به همراه خواهد داشت.

ایجاد زمینه‌های گوناگون آموزش زنان و مبارزه برای ریشه‌کن کردن بی‌سوادی و همچنین توجه به اشتغال و دسترسی ایشان به پیشه‌های گوناگون و بهداشت از جمله مصادیق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

در تحقیقی که در ترکیه به‌عمل آمد، نشان می‌دهد که تا چه حد آموزش‌های زیست‌محیطی به زنان اهمیت دارد. روش

تحقیق بدین صورت بود که ابتدا آگاهی‌های زیست‌محیطی زنان مورد آزمایش قرار گرفت و سپس یک دوره آموزشی برای آنان برگزار شد و پس از آن، آزمون آگاهی‌ها دوباره برگزار شد. نتایج نشان داد که برگزاری دوره آموزشی، درصد پاسخ‌های درست زنان به سؤالات را از ۵۵/۹۶ درصد به ۷۰/۷۲ افزایش داد. نقش تعیین‌کننده زنان در خانواده و جامعه بر لزوم فراهم‌سازی زمینه‌های آموزش زنان و آسان‌سازی دستیابی زنان به منابع اطلاعات اهمیت زیادی دارد. بدین منظور سمینارها، سازمان‌های زیست‌محیطی زنان و مؤسسات غیردولتی و رسانه‌های جمعی مانند رادیو و تلویزیون می‌توانند عهده‌دار نقش مهمی در افزایش آگاهی‌های زنان در زمینه آلودگی‌های آب، خاک و هوا شوند (Tor, 2009, pp.939-942).

بنابراین اسناد بین‌المللی به کرات به نقش زنان به عنوان یکی از گروه‌های تأثیرگذار بر محیط زیست تأکید کرده است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۸۸، صص ۷۰-۵۳). آسان‌سازی ایجاد سازمان‌های زیست‌محیطی زنان یکی از محورهای اساسی جهت بسترسازی مشارکت اجتماعی در آموزش محیط زیست است.

ب) سازمان‌های غیردولتی بسترساز مشارکت اجتماعی در آموزش محیط زیست

پیشرفت‌های سریع در چند دهه اخیر در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی باعث بزرگ و بزرگ‌تر شدن دولت‌ها گردید، تا جایی که همین پیشرفت‌ها موجب سردرگمی دولت‌ها در انجام تمامی وظایف به صورت متمرکز و دیوان‌سالارانه شد. سازمان‌های غیردولتی با انجام طیف وسیعی از وظایف دولت با مشارکت مردم، راه را برای پیشرفت‌های بعدی باز کردند. این سازمان‌ها با کاهش تصدی‌گری دولت‌ها، کفه ترازوی قدرت را به سوی توده‌ها سنگین‌تر نمودند، به طوری که در برخی کشورها این سازمان‌ها می‌توانند در سیاست‌های سطح کلان تأثیرگذارند و خواست و اراده اجتماعی را بر کرسی تصمیم‌گیری بنشانند. سازمان‌های غیردولتی از جمله مهم‌ترین زیرساخت‌های اجتماعی برای ایجاد و ادامه فرآیند توسعه پایدار در هر جامعه هستند.

سازمان‌های غیردولتی یکی از عناصر اصلی جامعه مدنی ملی و بین‌المللی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر این جامعه مدنی توسط این سازمان‌ها بازنمایی می‌شود. سازمان‌های یادشده معمولاً مدافع اصلی

ارزش‌های جهانی همچون صلح، حقوق بشر، حقوق بشردوستانه و محیط زیست می‌باشند. سازمان‌های غیر دولتی دارای کارکردهای گوناگون هستند. مشارکت و همکاری ایشان در کنار دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی این امکان را فراهم می‌آورد تا صدای دیگری غیر از صدای سنتی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌الدولی نیز در بطن حقوق بین‌الملل شنیده شود. مشارکت سازمان‌های غیر دولتی نقش مهمی در سامان‌بخشی و تشخیص منافع عمومی و بسیج افکار عمومی در راستای اهداف تعیین‌شده دارد. نقش فعالانه این سازمان‌ها با حضور در محل و شیوه‌های مختلف دیگر در اجرای مقررات، تعیین‌کننده است. به کارگیری شیوه‌های مختلفی چون ارائه مشاوره، آموزش روش‌های ترویجی در بخش کشاورزی، آموزش مسائل بهداشتی و غیره در توانمندسازی و ایجاد بستری لازم جهت انجام برنامه‌ها و تسهیل اجرای آنها فراهم می‌کنند.

توسعه فعالیت نهادهای مدنی به‌خصوص سازمان‌های غیر دولتی در نظام بین‌المللی مبین ظهور جامعه مدنی بین‌المللی و ظهور نوعی کثرت‌گرایی در حقوق بین‌الملل است. اگر به حوزه‌هایی چون حقوق بشر و محیط

زیست توجه کنیم، شاهد این موضوع هستیم، زیرا سازمان‌های غیر دولتی در اجرای مقررات و حضورشان به عنوان مدافعی مطمئن در حوزه‌های یادشده قابل تأمل است. حضور بازیگران غیر دولتی در کنار تابعان اصلی حقوق بین‌الملل دلالت بر سوسیالیستی شدن حقوق بین‌الملل و ظهور جامعه مدنی بین‌المللی و حرکت به سوی کثرت‌گرایی تلقی می‌شود (صالحی، ۱۳۸۸، ص ۲۳۶).

مشارکت این سازمان‌ها به دو صورت کلی یعنی در شکل‌گیری و اجرای هنجارها بین‌المللی قابل تحقق است. این سازمان‌ها در تسهیل بستری مناسب برای شکل‌گیری و آمادگی افکار عمومی ملی و بین‌المللی جهت پذیرش هنجارهای جدید اهمیت بسزایی دارد. این سازمان‌ها به مثابه گروه‌های فشاری هستند که در چارچوب اساسنامه خود تلاش می‌کنند تا اهداف مورد نظر را محقق سازند. تنویر افکار عمومی جهانی جهت شکل‌گیری و تدوین هنجارهای بین‌المللی از جمله مواردی است که مورد اهتمام این سازمان‌هاست. مسائل زیست‌محیطی یکی از مهم‌ترین اشتغالات برخی از این سازمان‌ها را تشکیل می‌دهد. بیش از ۱۴۰۰ سازمان غیردولتی زیست‌محیطی به‌طور رسمی در

کنفرانس ملل متحد در مورد توسعه و محیط زیست در ریودوژانیرو برزیل که در سال ۱۹۹۲ برگزار شد، شرکت کردند. معمولاً سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی جهت تحقق اهداف خود اقدامات زیر را انجام می‌دهند:

- اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی درباره مسائل و موضوعات زیست‌محیطی محلی و منطقه‌ای؛
- اشاعه شیوه‌های پایدار در تولید و مصرف از طریق مبارزه با تخریب محیط زیست و تلاش به منظور اصلاح الگوهای ناپایدار تولید و مصرف و تصحیح و بهینه‌سازی روش‌ها؛
- بسیج، نهادینه کردن و سازمان‌دهی مشارکت‌های مردمی؛
- گسترش نظارت عمومی بر پروژه‌ها و مسائل زیست‌محیطی؛
- ایجاد و گسترش، تقویت هماهنگی بین بخش‌های دولتی و مردمی ذی‌ربط با مسائل زیست‌محیطی؛
- ارتقای سطح دانش اعضاء در زمینه محیط زیست از طریق برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارهای علمی و واحدهای تفریحی و آموزشی؛

چیزی است که برنامه‌های حفاظت از محیط زیست طلب می‌کنند، چراکه این برنامه‌ها ذاتاً برنامه‌هایی بلندمدت و زمان‌بر هستند و حال آنکه اگر تصمیمات براساس خرد جمعی باشد با تغییر در افراد مسئول، برنامه‌ها همچنان به سوی اهداف از پیش تعیین‌شده، پیش خواهد رفت. در حالی که در بخش دولتی، به دلیل اعمال سیاست‌های سلیقه‌ای و فردی، گاه شاهد هستیم که با تغییر افراد برنامه‌ها نیمه‌کاره رها شده و یا بعضاً برنامه‌هایی در جهت عکس آنها در پیش گرفته می‌شود. پس می‌توان ادعا نمود از آنجا که سازمان‌های غیردولتی دارای ماهیتی داوطلبانه و مشارکتی هستند، به لحاظ دیدگاه و روند فعالیت‌هایشان ساختاری پایدار دارند و منحصر به یک دوره زمانی خاص نیستند. لذا این سازمان‌ها دارای ظرفیت مناسبی برای آموزش محیط زیست هستند. البته موفقیت این سازمان‌ها در گرو تعامل و همکاری بخش دولتی می‌باشد و در صورت همیاری و همدلی متقابل می‌توان انتظار داشت که پیشرفت‌هایی سریع و مؤثر در عرصه حفاظت از محیط زیست و آموزش آن رخ دهد.

سازمان‌های غیردولتی امکان دسترسی گسترده به قشرهای گوناگون مردم و تلاش

- انتشار نشریه، جزوه، فیلم، نوارهای آموزشی و خبری به منظور انعکاس موضوع‌های مربوط به حفاظت محیط زیست؛ - انجام پروژه‌های تحقیقاتی و اجرایی در زمینه حفاظت محیط زیست (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱، ص ۲۹).

مروری بر این اهداف نشان می‌دهد که سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی نقش ترویجی و آگاه‌کننده غیر رسمی داشته و از این طریق است که سازمان‌های غیردولتی به فرهنگ‌سازی می‌پردازند و به انتقال دانش زیست‌محیطی مبادرت می‌کنند. به این امید که مردم در جوامع محلی توانایی بهبود وضعیت خود را پیدا کنند و خود در مورد شیوه‌های مناسب مصرف و تولید به تفاهم برسند. از طرف دیگر، خدماتی از سوی سازمان‌های غیردولتی در قالب کارگاه‌های آموزشی، انتشار نشریه، فیلم و... و اجرای پروژه‌های تحقیقاتی و اجرایی ارائه می‌شود و موجب قرار گرفتن این سازمان‌ها در ردیف مؤسسه‌ها و نهادهای تأثیرگذار جهت تحقق توسعه پایدار می‌گردد (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۱، ص ۲۵).

یکی دیگر از ویژگی‌های سازمان‌های غیردولتی، عدم وابستگی تصمیمات آنها به یک فرد یا گروه خاص است و این دقیقاً

به منظور خدمت‌رسانی و رفع نیازهای آنان و جبهه اجتماعی و مردمی مطلوبی دارند و به همین دلیل نیز دستور کار ۲۱ در فصل ۳۶ بر اهمیت سازمان‌های غیردولتی در زمینه آموزش محیط زیست تأکید نموده است. بازبینی جامع برنامه‌های آموزشی از جمله مواردی است که در دستور کار ۲۱ لحاظ شده است. بدین منظور بر همکاری یونسکو و «برنامه ملل متحد برای محیط زیست» تأکید می‌کند. دستور کار ۲۱ رهنمودهایی جهت عملیاتی شدن موضوع آموزش و حفاظت از محیط زیست به دست می‌دهد. لذا کشورها، با همیاری سازمان‌های بین‌المللی، سازمان‌های غیردولتی و سایر بخش‌ها، می‌توانند مراکز عالی منطقه‌ای و ملی برای پژوهش و آموزش بین رشته‌ای در زمینه علوم زیست‌محیطی و توسعه، قوانین و مدیریت و مشکلات خاص زیست‌محیطی ایجاد یا تقویت کنند. مسئولان آموزش و پرورش باید برای تداوم آموزش‌های زیست‌محیطی و توسعه انواع برنامه‌های آموزش بزرگسالان را با همیاری سازمان‌های غیردولتی، از جمله سازمان‌های زنان و گروه‌های بومی طراحی کنند. پس سازمان‌های غیردولتی می‌توانند سهم مهمی در طراحی و ایجاد برنامه‌های

آموزشی داشته باشند و باید این سهم مورد توجه قرار گیرد. دستور کار به مقام‌های آموزش و پرورش توصیه می‌کند که با همیاری گروه‌های اجتماعی یا سازمان‌های غیردولتی، برنامه‌های حین خدمت یا پیش از خدمت را برای همه آموزگاران، مربیان و طراحان آموزشی و همچنین آموزگاران غیر رسمی در همه بخش‌ها به اجرا گذارد و آنها را با ماهیت و شیوه‌های آموزش مسائل زیست‌محیطی و توسعه آشنا سازند و از تجارب سازمان‌های غیردولتی در این زمینه سود ببرند. عرناث حسن در تحقیقی، آموزش محیط زیست غیررسمی برای بزرگسالان را در ناحیه سیاه در مالزی بررسی کردند. آنها با بیان اینکه آموزش رسمی محیط زیست در سطوح ابتدایی و دبیرستان جزو استراتژی سبز ملی در مالزی می‌باشد، به بحث آموزش غیررسمی پرداخته‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که بیشتر فعالیت‌ها در زمینه آموزش غیررسمی توسط سازمان‌های غیردولتی صورت می‌پذیرد. این آموزش‌ها از طریق برگزاری جلسات بحث، نمایشگاه‌ها، سمینار، کارگاه‌های آموزشی و اردوهای طبیعت‌گردی به مردم منتقل می‌گردد و نقش زیادی در افزایش آگاهی عمومی مردم

رسمی آموزش، آموزش محیط زیست به صورت جداگانه تدریس نمی‌شود و تعهدی محکمی نیز برای تدریس آن در مدارس وجود ندارد. تحلیل کتب درسی نشان می‌دهد که تنها تعداد اندکی از مفاهیم مربوط به آموزش محیط زیست به صورت پراکنده در کتب درسی درج شده است. برای اطمینان از میزان آگاهی‌های زیست‌محیطی و فعالیت‌های مربوط به آموزش محیط زیست، کافی است بازدیدی از یکی از مدارس انجام گیرد تا مشاهده شود چند درصد از معلمان به آموزش مسائل زیست‌محیطی به صورت جدی می‌نگرند و خود را درگیر مسائل آموزش محیط زیست می‌نمایند. تعهد معلمان نسبت به محیط زیست از عوامل موفقیت آموزش محیط زیست است و این در حالی است که معلمان در دوره تربیت معلم، آموزشی در این زمینه دریافت نمی‌کنند.

تدوین برنامه‌های آموزشی یکپارچه و تلفیق آموزش‌های نظری با فعالیت‌های تجربی موجب افزایش مشارکت دانش‌آموزان می‌شود. مطالعات تطبیقی و تجربه سایر کشورها در این زمینه مفید و اهمیت زیادی دارد. در تحقیقی که در کشور چین در خصوص کیفیت مؤسسه‌های آموزش محیط زیست صورت گرفته است، نشان می‌دهد که

نسبت به محیط زیست خواهد داشت (Hassan, et al, 2009, pp.2306-2311).

فرجام

یکی از موارد مهم در راستای آموزش محیط زیست، داشتن برنامه‌های جامع و منسجم است. در نظام آموزشی ایران توجه چندانی به این مهم نمی‌شود؛ به طوری که در سطح مدارس و دبیرستان‌ها در کتب درسی به ندرت می‌توان مطالبی در زمینه حفظ محیط زیست یافت و در سطح دانشگاهی نیز این امر قدری مغفول واقع شده است. اما خوشبختانه اخیراً شاهد تأسیس رشته‌های جدید چون محیط زیست و تنوع زیستی و آلاینده‌ها و همچنین گرایش به سمت مطالعات میان‌رشته‌ای همچون حقوق محیط زیست در دانشکده‌ها و پژوهشکده‌های کشور هستیم. با تأسیس این رشته‌ها و گرایش‌های جدید می‌توان امیدوار بود که گام مؤثری در ارتقاء آموزش و حفاظت از محیط زیست برداشته شود.

با وجود تدوین برنامه جامع آموزش همگانی محیط زیست و همچنین امضای تفاهم‌نامه همکاری مشترک بین سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش، موضوع آموزش محیط زیست پیشرفت چندانی نداشته است. در نظام

علی‌رغم وجود آموزش‌های مناسب به دانش‌آموزان در این زمینه، انگیزه و روحیه کافی برای مشارکت ایشان در برنامه‌های آموزشی و فعالیت‌های مرتبط با آن دیده نمی‌شود. راهکار مورد نظر جهت رفع این مشکلات به طور کلی بسته به بهبود و بازبینی کیفیت آموزش محیط زیست، روزآمد کردن روش‌های آموزش پرسنل و محتویات و ساختار دروس است.

آمارهای رسمی از میزان تخریب محیط زیست در ایران نشان می‌دهد که نقش هدایتی دولت در آموزش و حفاظت از محیط زیست چندان موفق نبوده است. از طرف دیگر به نقش حیاتی گروه‌های تأثیرگذاری چون زنان و سازمان‌های غیردولتی توجه چندان نشده، زیرا همکاری و مشارکت این گروه‌ها مستلزم فراهم ساختن زیرساخت‌ها و بسترسازی فرهنگی مناسب در این زمینه است. تشکلهای در تحقق رهیافت آموزش محیط زیست نقش اساسی دارند و به همین دلیل نیز دستور کار ۲۱ به طور صریح مقرر می‌دارد: «سازمان‌های غیردولتی می‌توانند سهم مهمی در طراحی و ایجاد برنامه‌های آموزشی داشته باشند و باید این سهم مورد توجه قرار گیرد.» این سازمان‌ها به دلیل ماهیت غیر انتفاعی و داوطلبانه بودن

فعالیت‌هایشان از طریق اشاعه اطلاعات و تعامل با بخش دولتی و مردمی نقش بسزایی در تحقق آموزش محیط زیست و انجام فعالیت‌های آموزشی مسئولانه بازی می‌کنند.

آموزش‌های مربوط به حفاظت از محیط زیست باید در بین عامه مردم رواج یابد. آموزش مقدمه فرهنگ سازی است و بدون فرهنگ‌سازی اهداف مورد نظر محقق نمی‌شود. چنانچه درسی تحت عنوان «آموزش محیط زیست» در دوره‌های مختلف آموزش عمومی گنجانده شود و وسایل ارتباط جمعی به ویژه صدا و سیما در این زمینه تلاش کنند، موفقیت قابل توجهی در ترویج فرهنگ حفاظت از محیط زیست حاصل خواهد شد. تحقق این امر در راستای اجرای آیین‌نامه اجرایی ماده ۶۴ قانون برنامه چهارم توسعه می‌باشد که در آن صدا و سیما را به عنوان رسانه همگانی موظف به تهیه و پخش برنامه‌های زیست‌محیطی نموده است.

در جهت نهادینه کردن تفکر حفاظت از محیط زیست باید به تمامی رده‌های مختلف آموزشی از دبستان تا دانشگاه، آموزش عموم مردم و آموزش متخصصان و مدیران توجه وافر داشت. بخشی که در زمینه آموزش محیط زیست نیازمند توجه فوری دولت است، دوره‌های تربیت معلم می‌باشند.

۳. Environmental Performance Index (EPI). این نهاد بنا به پیشنهاد و توسط دانشگاه‌های یال و کلمبیا امریکا تشکیل شد. این نهاد در صدد دادن یک دید کلی در خصوص شاخص مربوط به پاسخ دولت‌ها به چالش‌های زیست‌محیطی است. به منظور تعیین رتبه هر کشور معیارهای متعدد زیست‌محیطی لحاظ می‌شود و بر آن اساس رتبه هر کشور معمولاً بین صفر تا ۱۰۰ طبقه‌بندی می‌گردد. نک به :

<http://epi.yale.edu/epi2012/countryprofiles>

4. Affaire relative à des usines de pâte à papier sur le fleuve Uruguay, CII, 2010, § 101

۵. از جمله این پیشنهادات می‌توان موارد زیر را نام برد:

- استراتژی آینده‌نگرانه ناپروبی درباره مشارکت زنان در مدیریت محیط زیست و جلوگیری از تخریب و آلودگی آن باید در همه کشورها به اجرا درآید.

- سیاست‌های کلی کشورها باید بر ملاحظه سهم بیشتر زنان در برنامه‌ریزی‌های توسعه پایدار شامل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و مسائل مدیریتی و فنی استوار بوده و دفاتر مربوط به زنان و سازمان‌های غیردولتی ایجاد یا تقویت شود.

- موانع مشارکت زنان اعم از مشکلات تشکیلاتی، قانونی، اداری، فرهنگی، رفتاری، اجتماعی، اقتصادی و غیر آن باید تا سال ۲۰۰۰ برطرف گردیده و استراتژی آن تدوین و منتشر گردد.

- تا سال ۱۹۹۵ باید راهکارهای ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای ارزیابی اثرات مشارکت زنان در

آموزش محیط زیست باید به بخش لاینفک برنامه‌های تربیت معلم تبدیل شود تا کادری تعلیم‌دیده از معلمان با توانایی آفرینش گرایش‌ها و رفتارهای صحیح نسبت به محیط زیست به وجود آید. در سطح مدارس می‌توان ادعا کرد که آموزش محیط زیست در حالت جنینی است و نهادهای متولی امر آموزش کشور مسیری طولانی پیش روی خواهند داشت. در پایان لازم به ذکر است که آموزش همگانی محیط زیست منوط به توجه به دو نکته است: الف) در برنامه‌های آموزش محیط زیست نمی‌توان گروه یا طبقه‌ای را بی‌نیاز از این آموزش به حساب آورد. ب) همه ارگان‌ها و نهادهای مسئول آموزش در کشور در حیطه اشتغالات خود با استناد به دستور کار ۲۱، قانون اساسی جمهوری اسلامی و مصوبه سال ۱۳۷۴ شورایی عالی حفاظت محیط زیست و سایر اسناد مرتبط در قبال آموزش محیط زیست مسئول هستند. به امید روزی که از محیط زیست یاد بگیریم زندگی کنیم و با محیط زیست زندگی کنیم تا بیاموزیم.

پانویس‌ها

۱. اصل ۱۹ اعلامیه استکهلم ۱۹۷۲
۲. کنفرانس بین‌المللی کارشناسان مربوط به آموزش محیط زیست، بلگراد (۱۹۷۵) و کنفرانس بین‌الدولی مربوط به آموزش محیط زیست، تفلیس (۱۹۷۷).

۸. طراوتی، حمید، (۱۳۷۷)، **دستور کار ۲۱**، سازمان حفاظت محیط‌زیست، تهران
۹. کریمی، داریوش، (بهار ۱۳۸۳)، تبیین مفهوم آموزش همگانی محیط زیست، **فصلنامه محیط‌زیست**، شماره ۴۱
۱۰. کورتز، لیتشیا پی، رودریگز و باسا، ارلیندا وای، (۱۳۷۰)، **آموزش بین‌المللی محیط زیست**، ترجمه فیروزه برومند، کمیسیون ملی یونسکو در ایران
۱۱. مجدالدین، اکبر، (۱۳۸۲)، **نقش سازمان‌های غیردولتی در حفاظت محیط‌زیست**، همایش راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست
۱۲. نیکلاس رابینسون، لال کورو کولاسوریا، (۱۳۹۰)، **مبانی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست**، ترجمه سید محمدمهدی حسینی، تهران، نشر میزان
- برنامه‌های محیط زیست و نیز توسعه و تعیین میزان بهره‌برداری آنان از این اثرات ایجاد گردد.
- معیارهای اولیه برای حل مشکلات بی‌سوادی زنان و دستیابی دختران به آموزش‌های ابتدایی، راهنمایی و متوسطه و نیز ایجاد فرصت‌های بیشتر برای آموزش علوم و فناوری به زنان باید ایجاد شود.

منابع فارسی

۱. ایمانی جاجرمی، حسین، (۱۳۸۱)، **نقش سازمان‌های غیردولتی در توسعه شهری**، دفتر برنامه‌ریزی عمرانی وزارت کشور
۲. بالمر جوی ای، (۱۳۸۲)، **آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم**، ترجمه علی محمد خورشیددوست، سمت، تهران
۳. پیتون بن، کامپا هنری، وینتر اسکاین، (۱۳۸۰)، **تنوع زیستی**، ترجمه محمد دانش، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران
۴. خودی، مریم، (۱۳۸۲)، **آموزش زیست محیطی گام اول در ایجاد فرهنگ زیست محیطی**، همایش راهکارهای توسعه فرهنگ محیط زیست
۵. رضانی قوام‌آبادی محمدحسین، (زمستان ۱۳۸۸)، مشارکت و نقش زنان در حقوق بین‌الملل محیط زیست، **مجله مطالعات اجتماعی - روانشناختی زنان**، سال هفتم شماره ۳
۶. ساعد، نادر، (۱۳۸۷)، **قوانین زیست محیطی در جمهوری اسلامی ایران**، سازمان محیط زیست، تهران
۷. صالحی، عطاءالله، (۱۳۸۸)، **به زمامداری در عرصه حقوق بین‌الملل**، رساله دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی
13. Bkalo, S., C. Bangay, (2002), Toward Effective Environment Education in Ethiopia Problems and Prospects in Responding to Environment Poverty Challenge, *International Journal of Educational Development* 22
14. Hassan, Ara'at, Kamisah Osman, Susan Pudin, ((2009)), *The Adult Non-Formal Environmental Education(EE): A scenario in Sabah, Malaysia*, Procedia Social and Behavioral Sciences 1
15. Harding, David, Michele Lamont and Mario Luis small.eds. *Reconsidering Culture and Poverty*, Annals of the American Academy of Political and Social Science. Volume 629

International Journal of Educational Development 32

22. Ximing, Shi, (2011), Liu Chunzhuo , Survey of Environmental Education(EE): Case of Study of Higher Education Institution in Ningbo, *Energy Procedia* 5

اسناد

۲۳. برنامه جامع آموزش همگانی محیط زیست، ۱۳۸۸
 ۲۴. تفاهم نامه همکاری مشترک سازمان حفاظت محیط زیست و وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۸۸
 ۲۵. قانون برنامه های چهارم و پنجم توسعه اقتصادی و اجتماعی

26. Agenda 21, 1992
 27. Déclaration de Stockholm, 1972
 28. Déclaration de Rio, 1992
 29. Déclaration de la Conférence Intergouvernementale de Tbilissi sur l'Education Relative à l'Environnement, 1977

16. Kusawan, Udan, Ruth Rayholds, Mitch O'toole, (2006), *Paper Presented at the AARE*, Annual International Education Research Conference, Adelaide , 27th – 30th November
 17. Nasreen, Mahbuba, (2006), Khonokal Mokaddem Hossain and Debasish Kumar Kunda, The Interrelation Between Poverty, Environment and Sustainable Development in Bangladesh, *Poribesh* (BAPA Newsletter), 4th year, First Issue, January-February
 18. Sabine, Plaud, (2010) «Principe de précaution et Progrès Scientifique», *Éthique et économique*,7(2).
 19. *The Pilot Environmental Performance Index*, Developed by the Center for Environmental Law & Policy at Yale University and the Center for International Earth Science Information Network (CIESIN) at Columbia University in Collaboration with the World Economic Forum and the Joint Research Centre of the European Commission
 20. Tor, Hacer, ((2009)), Increasing Women's Environmental Awareness Through Education *Procedia, Social and Behavioral Science* 1.
 21. Wein-Tien Tsai, ((2012)), An Investigation of Taiwan's Regulation and Policies for Pursuing Environmental Sustainability

